پرسشها و پژوهشهای باپیسته قرآن در زمینه فلسفه و کلام (۵)

خاستگاه شرور

مسائله شرور به معنای عام آن یکی از کهن ترین مسائلی است که اندیشه آدمی را به خود مشغول داشته و پرسش‌های فراوانی را برانگیخته است.

پرسش‌های یادگانه، مؤمنان و متأمّلان را واداشته است تا راه حل‌های گوناگون از آن‌ها دهند. تا آنجا که کم تر فیلسوف یا متّکلی از می توان سراغ گرفت که رهیافتی درآیند زمانه نداشت بهشد.

مسائله شرور از جمله دستاوردهای فلسفه‌های اخلاقی است که به گمان صاحبان، آن، خدش‌هایی جدی بر خداوندی ادیان وارد می‌سازد و چه بسا تنا دلیل که فلسفه‌های مادی و اخلاقی در اکثر وجود خدا اقتامه کرده اند، همین مسائله باشد، به گونه‌ای که با صرف نظر از آنجا شبه، دیگر هیچ دلیلی بر رد وجود خداوند ندارد.

هدف ما در این نوشته این است که شماری از پرسش‌های اخلاقی، جمالی و جالب‌های پدید آمده را گردآوردهیم.

تا قرن پزوهان گرامی در پرتو آیات قرآن، پاسخ‌هایی شایسته و راه حل‌هایی باپیسته بر این‌ها دهد.

اقسام و گونه‌های شر

یک رخی شر در تنایی با صفت عدل الهی دیده اند و از این رو درصد دفاع از عدل بر امید اند. از جمله استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب (سعد الهی) بحث شر را در برابر عدل قرار داده است. اما در فرهنگ زبان ورزش در عرصه‌ای افزاین شر را بیشتر به سه صفت دیگر از صفات الهی در تضاد دیده اند که آن سه صفت عبارتند از: علم مطلق، قدرت مطلق و خدا، عامل مطلق.

شر، دارای تعیین مفهومی نیست، اما تعیین مصداقي دارد و این تعیین مصداقي به گونه‌های دیگر

پیان شده است:

۱. براساس این تعیین دو گونه شر وجود دارد:

- شر اخلاقی (Moral)

- شر اخلاقی معنوی (Moral)

۲. شر مابعد الطبیعی (فلسفی) (Metaphysical)

- شر مابعد الطبیعی (فلسفی) (Moral)

- شر مابعد الطبیعی (فلسفی) (Moral)

- شر مابعد الطبیعی (فلسفی) (Moral)

- شر مابعد الطبیعی (فلسفی) (Moral)

۲. طبق این بیان، شرور، چهارقسم شمرده شده اند:

- شر عاطفی، احساسی یا درد و جراح

- شر عاطفی

- شر عاطفی

- شر عاطفی

- شر عاطفی
3. طبق این بیان، شرور به سه دسته تقسیم می‌شوند:

یک شروری که تنها معلول اختیار و فعل انسان است؛ مانند گناهان و معصیت‌ها.

دو. شروری که اختیار و فعل انسانی به همراه دیگر عوامل، آن را پدید می‌آورد، مثل بیماری‌ها.

سه. شروری که هیچ گونه فعل و اختیار انسانی در بیاید. آمدند آن دخالت ندارد، مانند زلزله و طوفان و سیل.

برخی با استناد به آیاتی هم‌چون: (ظهر الفساد في البال ولبحر بما كسبت آیه الناس) و (ولذوقهم بعض الذي عملوا نوع سومنا) یافته اعمال انسانها دانستند.

آنچه باعث طرح ماهی شر در عرصه اندازه دینی شده، دو پرسش اساسی است:

یک. چرا شر در عال surname و وجود دارد؟ و چه تعبیر دیگری، توجه وجود شناختی شر قیست؟

دو. وجود شر، چگونه با صفات الهی سازگار خواهد بود؟

در پاسخ این سوال‌ها را های گوناگونی پیموده شده است که ما به آنها اشاره خواهیم داشت.

نسبت میان شر و صفات الهی

در این زمینه که آیا وجود شرور، دقیقه برنفی خداوند است؟ آیا وجود شرور با وحدت آفریدگار یا با عمل خداوند سازگار می‌باشد، پاسخ‌های جنی داده شده است، از آن جمله:

1. این مقدمه است، این سخن با عدم‌ی بودن شر فرق دارد و می‌گوید، اصلاً وجود شر موجود است. مانند انسان بیماری هستیم که خیال می‌کنیم، بعضی چیزها وجود دارد، ویلی در واقع نیست، به طور خلاصه این‌ان می‌گویند، یک جهان حقیقی وجود دارد که وجود واقعی از آن واقعی و هیچ‌گاه در قلمرو حواس ما نمی‌گنجد، آنچه در جهان حسی شدنی ما واقع می‌شود، یکسوز وهم است، وقتی عالم طبیعت موهوم بود، درنتیجه شروری که در عال surname ماده به نظر می‌رسد نیز موهوم خواهد بود.

2. این مقدمه است، ریشه‌ای این سخن به اقلیت‌های بی‌گردد و در مجموعه آثار از می‌توان یافته را یافته طبق این نظریه شر فرق دارد، ویلی کسی آن را جعل نکرده و شرور فاعل نمی‌خواهند. مثلاً ممکن است فردی به راستی مرض باشد، اما مرض را خداوند خلق کرده است، از میان رفتمن سلامت بدن یا قطع عضوی از بدین، موجب انتقال مفهوم مرض می‌گردد.

3. این مقدمه است، اما جعل شر را علم و قدرت و خیرخواهی مطلوب الهی سازگار است. توضیح این که: جهان‌های تصویرشده از جهت اشمال بر خیر و شر پنج گونه می‌باشند:

- خیر مطلق.
- خیر کبیر و شر قلی.
- خیر و شر مساوی.
- شر کبیر و خیر قلی.
- شر مطلق.
جهان‌های اول و پنجم، بسیار هستند و جهان‌های دوم و سوم و چهارم، مرکب می‌باشند. آن‌چه با صفات

الهی منافات دارد، جهان‌های ۳ و ۴ و ۵ است، اما جهان‌های ۱ و ۲ با صفات الهی سازگار هستند.

به نظر افسانه جهان دارای شر قلیب، با خدا و صفات او می‌باشد. ۴ و ۵ جهان‌های دارای وجود دارد،

یا سراسر، خیز است و با خیز آن فرونز نَر از شر آن است، وجود آنها طبق عدل و حکم و صغرخواهی

است.

۲. کثر برای حصول خبر، ضروری است. یعنی وجود شر، شرط لازم تحقیق خبر است. این سخن،

سادگی طولانی دارد و در شرق و غرب عالم، طرفداری را پیدا کرده است. براساس این نظر آنچه اول و

بالاً خواسته شده است، تحقیق خبر است، اما بدون وجود شر، بیداد آمدن خبرات ممکن نیست.

این نظریه، دارای دو پیام است:

الف) (شر قلیب) برای تحقیق خبر کثر لازم است.

ب) (شر قلیب) برای احساس خبر کثر لازم است.

۵. خبر، بخش ناکافی شر پدید می‌آید. اگر نگوییم همیشه چنین است، دست کم در بیشتر موارد،

خبر از میان شر پدید می‌خورد. بیان‌برای، شر، منشاً خبر است بروز تحقیق خبر، باید شر را پذیرم.

۶. اگر درای انسان سازی و پرورش روح است، آن‌این رو وجود شرور هیچ اشکالی ندارد، بلکه لازم

است. لیا دروازه درآمده در لذت و آسیب، گرفتار نسیبی و انحطاط می‌شود و تنهای در کوره گذاخته

سختی و دشواری‌ها است که ذوب می‌شود و ناب می‌گردد و تکامل می‌یابد.

این نظریه مبتنی بر اختبار انسان است. بر اساس این نظریه، جهان از جهت دارای شربودن و

یندودن، و اختبار و عدم اختبار، از نظر عقل، چهار صورت می‌تواند داشته باشد:

- جهان دارای شر و انسان دارای اختبار.
- جهان فاقد شر و انسان دارای اختبار.
- جهان دارای شر و انسان مجبور.
- جهان فاقد شر و انسان مجبور.

از اینجتا چیزهایی خود که توان انتخاب و گزینه دارد.

۸. شرور، وقتی پدید می‌آید که ما از منظر انسانی به جهان نگاه می‌کنیم و از دو دیدگاه می‌شود

به جهان هستی نگاه کرد:

یک. منظر انسانی با جزء نگرانه.
دو. منظر الهی یا کلّ نگرانه.

از منظر انسانی جهان کما بیش دارای شر است، اما از دیدگاه خداوند، جهان شری ندارد. ما فقط به

اطراف خود می‌گریم و به هم روابط عالم آگاه نیستیم، بلکه بیش از امور جهانی از تیرس ذهن ما دور

هستند، ولی خداوند از هر چه روابط جهانی، آگاهی دارد.
9. چهاران به خودی خود، به خیر است و به نه شر. خیر بودن و شربودن، این گاه پدید می‌آیند که هر فرد انسانی یا هدایت شود یا گمراه. برای گمراه و کج رو، تمام عالم شر است، حتی چیزهایی که به ظاهر خیر هستند، مانند مال، شهرت و... و برای فرد هدایت یافته، تمام عالم، خیر است، حتی آن چیزهایی که یک قسمی به نظمی آیند، همچون مال، مقام، شهرت و... برای کسی که هدایت بخش تری یافته باشد، خیر بیشتری را به همراه دارد، از این رو برای مصوعان جهان، سرای خیر است و برای شیطان، عالم، سرای شر است.

10. یک مسئله شرّ از اینجا بی‌پدید شده که ما خدا را عالم و قادر و خبرخواهی علی الاطلاع می‌دانیم، حال آن که وجود شرّ با این مسئله نمی‌سازد و راههای ارائه شده در این باره همگی نتام هستند. بدین روش می‌باشد درکی از دوست‌مطلب تجدید نظر کنیم با دیدن روی یکی از وحشیان باعث خلاقیت، از جمله شرّ و یا هم افرادی در اجتماع این است، ساخت در ذات خداوند از ناحیه توان شرّ از اینک کرده. یک باعث اجتماع این است، ساخت در ذات خداوند 8

11. اولین، در خلاقان هم خیر واقعاً وجود دارد و هم شرّ ثانیاً، هم خیر، خلاق دارد هم شرّ ثانیاً، خلاق خیر، غیر از خلاق شرّ است. هر یک از این دو حالت نیز، جامع هر سه صفت نیست، بلکه خلاق، خلاق خیر، خیر خواهی دارد و خلاق شرّ، شرّ خواهی دارای قدرت مطلق نیستند، بلکه هر کدام دارای قدرت محدودی هستند. اگر خلاق خیر، قدرت مطلق داشت از آن پیروی، خلاق شرّ را از بین می‌برد و بالعکس، این مسئله ثابت می‌کند که قدرت هر دو محدود است و مساوی با هم، با این حال سرانتام خلاق خیر، غیر خلاق شرّ است.

12. چهاران اصلی طراحی ندارد، بلکه یک ارگانیسم موجود زندگی (چه حیوانی یا نباتی) است. آنچه موافق با بهای اولست، خیر می‌باشد و یا بهای موافق با موارد اولست، شرّ است. پس خیر و شرّ چهاران، هر یک از روی عمد و علم رخ نمی‌دهد، بلکه خیرات عبارت از موفقیت‌های گیاه جهانی هستند و شرور عبارت از عدم موفقیت آن، همان طور که اگر گیاهی در مقدم زمین به طریق پرخورد نماید، به کار می‌رود و اگر درگیری‌ای را انتخاب می‌کند، جهان نیز وقتی به شرّ پرخورد کرده، درف‌گرچه می‌افتد و به شکل‌آن را ترمیم می‌کند.

13. شرّ و خیر خواهی مطلق الیه منافات ندارد، زیرا درد و رنج در اثر منافی صفات الیه می‌باشد که به مصلحت فردی که این می‌باشد و نباید. اما اگر درد و رنج به مصلحت چنین فردی باشد، دریگ به صفات الیه منافات ندارد. بلی اگر نتایج هادی باشد، هیچ مصلحتی را ای به یا ترد یا برای شخص می‌باشد و رنج ندارد، در آن صورت، این نتایج، که می‌باشد، ممکن می‌باشد تا با هم منافات خواهد داشت.

چنانکه مشهور است، نظر‌گاه‌ها در این زمینه بسیار ناهماهن و نامتعادل است و حتی برخی از آنها به چنین حل مشکل، پذیرش مشکل و تن دادن به مشکلات و ابهام‌های فوزن نبیست. اکنون باید دید از این میان، کدام نظریه مورد تأیید قرار است و یا می‌تواند با معارف قرآنی هماهنگ‌تر باشد.

نقد نظریه نخست
اولًا در کتب آسمانی از شر به عنوان یک امر موجود و واقعی اسم برده شده است، از آن جمله در بیان.[۱] (فلق) و (ناس) تابع یا به‌وورایش جهان، این امر به دو نظیره آمده است، این نظیره از چرا خداوای دانو و قادر خیرخواه، جهان را آذختی نیافتده می‌کند. اگر تهیه‌نامه‌هایی که ما دچار توهیم نتوانیم?

اسکال‌هایی بر نظریه دوم

معیار تفکیک امر عدم و وجود چیست؟ یعنی مثل این چرا می‌گوییم مخرج، نیود حیات است؟ مگر خود حیات نمی‌تواند یک امر عدم تلقی شود؟

اگر کوری عدم بینایی است، بینایی هم عدم کوری است.

اتبیان دیگر این که: اگر پیدایش گمه و کوری و... اموری عدمی هستند، آیا نبودن همین امور عدمی بوده‌اند؟

نقد نظریه سوم

برفرض که چهاردهم وم یعنی جهانی که درآن خیر کنتر و شر قابل وجود دارد ـ با صفات خداوند

مقاومی نداشته باشد، خدا خدا ویک که می‌تواند جهان بدون شر بی‌بایریند، این کار را نکرده است?

ارسیلو نه این سوال این گونه بازخ داده است که: یا یا باید خداوند، عالم طبیعت نامی افرادند که در تبیین خیر کنتر محقق نمی‌شود، یا این که تیرک خیر کنتر کشیب بود، و یا باید عالم طبیعت را خلق می‌کرد که تبیین این جهان بدون شر قابل، امکان نداشت.

اتبیان دیگر این است که چگونه می‌توان ثابت کرد، میزان (خیر (درآمده بیش یا (شر) است؟

خدش در نظریه چهارم

همون، دریبان کاسته‌های نظریه چهارم گفته است:

اگر معنویت بپذیریم، مثل این قطع دست گردیده به وسیلهٔ جراح با وجود این که شر است، اما دراثر آن خیر بزرگ‌تری پدید آید. این حرف در صورتی صحیح خواهد بود که تنها راه به دست آوردن سلامتی، قطع دست باشد، ویک اگر راه دیگری وجود داشته باشد، قطعاً آن را باید بذیرفت. اگر از جراح پرسبیده شود که یا یا بهترین راه همین است، او یگانه خواهد داد که با توجه به دانش کنندی پریشکی، بله، اما آیناً اگر این سوال از خداوند هم پرسیده شود، با جواب همین خواهد بود؟ خدا عالم و قادر مطلق است و می‌تواند بدون قطع دست و یا... سلامتی را به انسان برگرداند.

پرسش دیگری که درباره نظریه چهارم قابل طرح می‌باشد، این است که اگر موجودی عالم و قادر

به اطلاعات باشد، برای رسیدن به هدف خود، نیازی به وسیلهٔ خواهند داشت، چرا که وجود کامل، به نمود اراده، هدف و مقصود خود را محقق خواهند کرد. آنها آمره اذا آراد این چیزی که من يقول له کن فیکون پس خداوند که برای خلق خیر، ناگزیر از چهارنده، شر است، چگونه می‌تواندخدایی عالم و قادر و خیرخواه مطلق باشد.
اشکالی قدم‌بندی نیز مطرح شده است به‌این‌که چگونه، به‌نظر می‌رسد که دو افراد، یکی هم‌گرایی و یکی هم‌طلایی باشند؟

که بدون وجود یک طرف، یک پیش‌زمینه خیر را ادراک کنیم؟

بر پرسش پدر و مادری که وجود یک در یک ادراک یا تحقیق خیر، یا مقدار کمی از یک برای این‌جا کمی مقدار کافی

نیود که این همه شرّه به وجود آمد.

کاسیستی‌ها به نظریه ششم

اول‌اً چرا یک گروهی از کسانی که متخصص یا استاد می‌باشند و با توجه به دو یا سه نظریه که در مورد پزشکی می‌باشند، شکسته‌اند.

ثانیاً، با دقت در طبقه‌بندی معلوم می‌شود که شرّه به تدریج، بیشتر می‌شود و هستند و خرابه، منبع خیر.

اشکال‌هایی به نظریه ششم

این باعث اگر یک نظریه را توجیه کند، اما شرّه اخلاقی را نیست. برای آن‌ها در برگیرد، چون معنی‌های که بگویم گروهی از انسان سازی مفید هستند. دیگر این که آیا به واقع هر پیامد باید باعث می‌شود انسان‌ها از آن درس بگیرند؟

علاوه بر این، می‌توان پرسید که آیا تنها راه کمال انسان این است که از راه نمايش شرّه‌ای کار

صورت گیرد؟

شبهات درباره نظریه هفتم

جهت آل مکی و آنتونی فلو از فیلسوفان الحادی غرب می‌گویند: جهان خالی از شرّ و انسان مختار، نه تنها ممکن است، بلکه به‌طور جهان ممکن هست. خدا می‌توانست انسان‌ها را مختار بافریند درحالی که انسان دست به کارهای بدنی نزدیک دارد. همچنان ممکن است انسان‌ها از انتخاب انتخابی‌ها برای کارهای شرّ وجود ندارد.

در نتیجه، شرّ، لازم انتخاب انسان نبست.

اشکال دیگر: این راه حل اگر هم درست باشد، تنها می‌تواند شرّ اخلاقی را توجیه کند که نه شرّهای طبیعی را.

نارسایی‌های نظریه هشتم

اگر چرایی در عالم آفرینش، نسبت به کلّ‌ان خیز می‌شود و خداوند هم این دید و نگرش را به انسان‌ها ازالی می‌کرد که با دیدن همه عالم آفرینش، هیچ شرّی را نیمبند، اشکالی وجود نداشت. اما اکنون که ما انسان‌ها چنین دیدی را نداریم، پس وجود شرّ و هم وجود تولید چه سودی را در بردارد؟

کاسیستی‌ها به نظریه هم

ازجمله این که هدایت گام‌های دو مفهوم مثبت یک طریق تفاوت میان آن دو، نیاز به معیار دقیقی داریم، این راه حل نمی‌تواند مسئله شرّ را توجیه کند. دیگر این که اگر معیاری دقیق هم به دست آورده‌ایم، آیا به واقع می‌توان ادعا کرد که همه هدايت بافتگان از شرّ و بدورند؟ آیا

علی(ع) نفرموده است:

(صبرت و فی العین قدی و فی الحلق شجی)
اشکال نظریه دهم و پانزدهم و دوازدهم
این دیدگاه‌ها با نص صریح آیات قرآن در تضاد هستند، چرا که قرآن، خداوند را به گونه‌ای مطلق، دارای صفات عالی و قادر و نیک‌خواه معرفی می‌کند.
و نظریه پانزدهم با عقیده توحید در اسلام منافات دارد.
اشکال راه حل دوازدهم نیز این است که اصلاح در آینده راه حل، وجود خدای حفظ شده است.
انتقادهای بالا نشان می‌دهد که برای تفسیر شرّ موجود در عالم، باستی به تکیه بر وحی، راه حلی جذب ارائه داد.
پرسش‌های چنین، نیازهادگی پاسخ‌های به وحی
افکته است؟
- اگر ثابت شود که شرور، امروزی عدمی نیستند، چه توجیه و تفسیری می‌توان برای آنایی که درآن خلقت همه جزی به خداوند نسبت داده شده است مثل: (و الله خلق كل شیء) ایشان داد؟
دیگر قرآن نسبت به شرور را به مخلوقات نسبت می‌دهد، آیای این بدان معنی نیست که
شرور، امروزی وجودی می‌باشند و آیا براساس آیه (من شرّ ما خلق) همه موجودات عالمی، دارای پهره‌ای
از شرّ می‌باشند؟
- آیای شرّ ادراکی، وجود شرور را - به رغم اعتقاد کسانی که آن را امری عدمی می‌دانند - اثبات نمی‌کند؟ توضیح این که آلام دردرهای به انسان یاهموجوده به شعور دیگری از عوامل مختلف مانند
آسیب‌های وارد بر بدن، یا دیده مgagesه های هولناک، یا شیبیدن اتیان ناگوار تحتال می‌کند، اگر همه آنها را تحلیل و بررسی نماییم، به این نتیجه خواهیم رسید که تمامی این آلام، مربوط به ادراک نفسه و روح
انسانی و با حیوایی می‌شود و با روی و نفس است که با اتحاد و بودنی که با صورتهای ادراکی و
شناختی خودداد، در برابر عوامل باشدش متأثر و متاثر می‌شود، پس درد و آلی توأم به ادراک امر
منافی است، وگر ادراک در بین ناشی، درد و نزدیک نخواه به پدیده که امروزی
وجودی ایند، به گونه‌ی ذاتی با طبع انسان ناسازگاری دارد و شرّ به حساب می‌آید.
دیدگاه علامة طباطبایی در تفسیرالميزان
علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد:
این که بعضی از مواده الهیه شر بهره و در بعضی موارد از آنها ضرری عایید می‌گردد، با این گفت: شر بودن آنها نسبت است، یعنی نسبت به چیزی که هدف واقع شده شر است، اما نسبت به دیگران وهمجنس نسبت به علی و اسبابی که در نظام آنربنده حمک فرا است، خیر می‌باشد، چنانچه آیه (ومن‌اصل به سیاست منفی) (نامه 79) به همین مطلب اشاره دارد. ۱۰

اکثر اشاره‌های متعدد که ظاهر جمله (والمه خالق کل حیات) این است که خلق پروردگار، عمومیت داشته و هرچیزی را که اسم شیء، (چیز) برآن صادق است، شامل می‌شود، از سوی دیگر ظاهر جمله (الذی احسن كل شئ خلقه) (سجده 7) این است که خوب و حسن در تمامی مخلوقات هست. پس از این آیات استفاده می‌شود که جز خدا هرچیزی که داشته باشد، مخلوق خلاص و هرچیزی که مخلوق خلاص است، دارای صفت حسن است و خلق و حسن، دو امر متلاز در وجود دارد ۱۱.

و در تفسیر آیات ۱۰۸ سوره هود می‌نوید:

(سعادت و خیر از ناحیه خلاصت، وله شر و شفاوتی که گربه‌بانگیر بشر می‌شود، به دست خود)

۱۲. (اوست).

علامه در تفسیر سوره فقیه می‌گوید:

(من شر ما خلاص) یعنی از شر هر مخلوقی که انسان و جن و حیوانات و جنهر مخلوقی دیگر که شریه هماره خود دارد. پس از عبارت (مالخی) نباید توهیم گردد که تمامی مخلوقات شر‌دل و یا شریه با خود دارند، زیرا مطلق آمدن این عبارت، دلیل بر استغراق و کلیت نیست.) ۱۳.

و در تفسیر آیه (من شر غاصق إذا هب) می‌گوید:

(اگر در آیه شریفه، شر را به شب نسبت داده به خاطر این بوده که شب با تاریکی اش، عناصر شر را در رساندن شر کمک می‌کند. علاوه براین، انسان که مورد حمله شرور است، در شب ناتوان تر از روز است.)

پی نوشته‌ها:

۱. رک: جزوه شرور، درسهای استاد مصطفی ملکی‌نام در مؤسسه امام‌صادق.
۲. رک: شرور حل علل، اوالین به توسط فرقه (ورناتاسبی) از فرقه‌های آینه هندو بیان شده است.
۳. رک: به کشف نشانه، جامعه مدرسان، ۲۹ - ۳۰ و اسفار ۱۸ /۵۹.
۴. رک: راه حل منسوب به ارسطو است.
۵. ک: احیاء علوم الضعیف، امام محمد غزالی، ربع منجیته، کتاب پنج.

۶. رک: احیاء علوم الضعیف، امام محمد غزالی، ربع منجیته، کتاب پنج.
6. این سخن برای اولین بار توسط قدیس ایرنانوس از اعظام اباعل کلیسای علویان شد. جان هیک، فیلسوف دین معاصر نیز طرفدار این نظریه می‌باشد. عبدالقاهر بغدادی در کتاب (اصول الدین) این قول را به قدری نسبت داده است. ر. ک: اصول الدین، عبدالقاهر بغدادی، چاپ استانیول، 1944، ص 240.

7. این نظریه در (قوت القلب) (ایمان مکی، چاپ مصر، جلد 3، صفحه 35 آمده است.

8. این راه حل مربوط به نخله) کلام پویشی) از نخله‌های کلامی مسیحتی می‌باشد.

9. نظر استوارت میل در کتاب (سه گفتار درباب دین)، ص 35 و 36.

10. سبک، چاپ 1393.

11. سبک، چاپ 1395.

12. سبک، چاپ 1394.

13. سبک، چاپ 1394.